

دوشنبه ۲۷/۱۰/۱۴۰۰

جلسه ۷۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم علی أعدائهم أجمعين من الآن إلى قیام يوم الدين

اللهم كن لوليک الحجّة بن الحسن صلواتک علیه وعلی آبائه فی هذه الساعة و فی کلّ ساعة وليا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا وعينا حتى تسكنه أرضک طوعا وتمتّعه فیها طويلا.

اللهم العن أوّل ظالم ظلم حقّ محمّد وآل محمّد وآخر تابع له علی ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جميعا.

السلام عليك يا أبا عبد الله وعلی الارواح التي حلت بفنائک عليك منی سلام الله أبدا ما بقيت وبقى الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منی لزيارتکم، السلام علی الحسين وعلی علی بن الحسين وعلی أولاد الحسين وعلی أصحاب الحسين.

اللهم خصّ أنت أوّل ظالم باللعن منی وابدء به أوّلا ثم العن الثانی والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبید الله بن زياد وبن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة.

السلام عليك ايّها الصديقة الشهيدة فاطمة الزهرا و لعنة الله علی اعدائها و قاتليها و غاصبي حقها و من أحب غاصبي حقها.

[خلاصه درس: قیام اماره مقام القطع

۱- تتمه بیان مختار در قیام اماره مقام القطع.

۲- کلام مرحوم صاحب درر (حاج شیخ عبدالکریم علیه الرحمه) در قیام امارات مقام القطع

الموضوعی الطریقی.

۳-رد کلام مرحوم صاحب در در نهایت الدراية حاج شيخ اصفهانی.

۴-رد کلام اقا ضیا در فرمایش حاج شيخ اصفهانی. [

کلام در این بود که آیا امارات قائم مقام علم موضوعی بما انه طریق و کاشف می شود یا خیر؟ مطالبی که ان شاء الله امروز عرض می کنیم عبارت است از ۱- تتمه ای در بیان مختار و اینکه آیا امارات قائم مقام قطع علم می شود یا خیر؟ ۲- کلام مرحوم حاج شيخ اصفهانی در رد آقاضیاء عراقی ره . ۳- کلام مرحوم آقا شيخ عبد الکریم در قیام امارات مقام قطع موضوعی طریقی. ۴- کلام مرحوم حاج شيخ اصفهانی ره در رد کلام شيخ عبد الکریم ره.

مطلب اول: بیان شد که ما در قیام امارات مقام قطع موضوعی طریقی مشکلی در مقام ثبوت نداریم. اشکال ما عدم تمامیت دلیل در مقام اثبات است زیرا اگر بفرمایید «دلیل حجیت خبر ثقه، سیره عقلاء ست» عرض می کنیم «باید دید آیا در سیره عقلاء جایی که علم تمام الموضوع یا جزء الموضوع باشد وجود دارد یا وجود ندارد تا اگر وجود داشت بینیم عقلاء اماره را جای آن می نشاند یا خیر». ان قلت: همین که عقلاء اماره را علم می دانند کافی ست. قلت: اینکه عقلاء اماره را علم می دانند و اینکه سیره را شارع امضاء فرموده، به آن مقداری که آثار علم را بار می کنند امضاء می شود. این، دلیل لفظی که نیست تا به اطلاق دلیل تمسک کنیم بلکه عمل عقلاء ست. بیان شد جایی که ممکن است عقلاء علم را تمام موضوع بدانند در باب کذب می باشد. اگر کسی علم داشته باشد که الآن باران می آید و بگویید «باران می آید»، علم تمام الموضوع ست در اینکه قبح ندارد ولو اینکه بگوییم کذب نیست. در کذب خلاف واقع معتبر است اما اینکه آیا قبیح هست یا خیر؟ ممکن است بگوییم در سیره عقلاء هست مثل تجری، تجری را که عقلاء قبیح می دانند، تمام موضوع آن علم است. در اینجا آیا اگر برای کسی اماره ای قائم شد و اخبار کرد با اینکه شک داشت، عقلاء می گویند «کار قبیح انجام ندادی»؟ این محرز و واضح نیست و می گویند «تو که احتمال می دادی که اشتباه کند. یک بار دیگر هم که اشتباه کرد پس چرا می گویی که یقین دارم! چرا داری اخبار می دهی!». این در سیره عقلاء واضح نیست.

اگر بگوئید: سیره را چه کار داریم آیه شریفه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ» می گوئیم: چنانچه آیه بر خبر عادل یا خبر ثقه دلالت کند، نهایت مدلول آن این است اگر فاسق خبر نیاورد و عادل خبر آورد تفحص لازم نیست و عمل کنید اما ندارد که علم است یا اخبار هم دهید.

می ماند آن روایتی که می فرماید «العمری و ابنه ثقتان فما أذيا اليك عني فعني يؤديان» عمری و پسرش ثقه هستند و هر چه از قول من نقل می کنند پس از من نقل می کنند. اگر بگوئید این فرمایش امام علیه السلام «هر چه نقل می کنند از من نقل می کنند» یعنی «این عبارت (از منقل می کنند) علم است». اگر کسی بگوید «(فعنی یؤدیان) جعل مؤدی ست یعنی کلامی که آنها نقل می کنند کلام من است، شما هم دیروز قبول کردید که وقتی کلام آنها کلام من شد پس علم به کلام من دارند». خب این خوب است ولکن در ما نحن فیه دلیل بر حجیت خبر ... چون خود آن خبر ثقه است. وقتی خود آن خبر ثقه است دیگر نمی تواند خودش را درست کند چرا که دور می باشد.

ممکن است کسی بگوئید: ما حجیت این خبر را به سیره درست می کنیم یا مثلا به آیه نبأ درست می کنیم، وقتی با آیه نبأ درست کردیم آن گاه مدلول این، حجت می شود و مدلولش این است که خبر ثقه علم است.

اگر سند این فرمایش درست باشد، که بعید هم نیست درست باشد یک اشکال دارد و ما در حجیت خبر ثقه گفته ایم که اولاً فرق هست بین کسی که امام علیه السلام توثیق نماید و بلا واسطه از امام علیه السلام نقل بفرماید با کسی که نجاشی توثیقش نماید. وقتی امام علیه السلام اینها را توثیق فرموده، نمی توانیم از این به هر خبر ثقه ای تعدی کنیم. ما نمی توانیم از این به خبرها مع الواسطه تعدی کنیم، یک خبری ده تا واسطه می خورد تا به امام علیه السلام برسد، بعد بگوئیم که هر چه این گفت امام علیه السلام فرموده «فعنی یؤدیان». لذا به همین جهت ما در حجت خبر ثقه مناقشه کردیم و گفتیم که اگر کسی بخواهد از روایات و آیات حجیت خبر ثقه مع الواسطه و خبرهایی که دیگران آنها را توثیق می کنند به دست آورد، ... اینها از روایات در نمی آید. بله آن

افرادی که امام علیه السلام توثیق می فرماید، قول آنها حجت است و شاید بتوانیم بگوییم در آنها احتمال دروغ صفر است. وقتی امام علیه السلام می فرماید «العمری و ابنه ثقتان فما أذیا لیک عنی فعنّی یؤدیان» احتمال دروغ در آنها صفر است. فقط می ماند احتمال اشتباه که آن هم نسبت به کسانی که مستقیم از امام علیه السلام نقل می کنند ... خود این یک حکمتی است، امام زمان سلام الله علیه وقتی یک نفر را توثیق فرمود یا در مورد خاصی امام حسن عسگری علیه السلام ... اینها را ما نمی توانیم تعدی کنیم. لذا یک دلیلی باشد که دلالت کند خبر ثقه علم است و یجوز الاخبار به، الی یومنا هذا پیدا نکردیم. فرمایشاتی که مرحوم آقای خوئی ره و دیگران فرموده اند همین است که عرض کردیم. خیلی خیلی انسان زور بزند بهتر از این روایت «العمری و ابنه ثقتان فما أذیا لیک عنّی فعنّی یؤدیان» پیدا نمی کند که ما عرض کردیم از این نمی توانیم تعدی کنیم به ثقه ای که نجاشی توثیق کرده و با چند واسطه از امام علیه السلام نقل می کنند.

مطلب دوم: یک کلامی از مرحوم آقاضیاء نقل کردیم. بیان شد اگر قرار باشد دلیل تنزیل مؤدی منزله واقع بخواهد جایی را که واقع جزء الموضوع است یا قید الموضوع است را بگیرد، در واقع حکمی نیست تا شارع بخواهد تنزیل کند یا دور است، هر چه که قبلاً تقریب شد. آقاضیاء ره فرمود: دور نیست زیرا تنزیل مؤدی منزله واقع متوقف است بر اثر و حکم تعلیقی. آنچه بر این تنزیل متوقف است حکم فعلی و منجز است و موقوف غیر از موقوف علیه می شود.

به این مرحوم حاج شیخ ره در نهایت الداریه اشکال می کند و می فرماید: وقتی شارع مثلاً می فرماید «یجوز الاخبار بما علم» و علم جزء الموضوع است یعنی تنزیل می کند این مؤدی را به منزله واقع در فرضی که اگر علم به واقع تنزیلی تنزیل شود به منزله واقع. خب این متوقف است بر تنزیل علم به واقع تنزیلی. تنزیل یعنی جعل حرمت. جعل حرمت متوقف است بر ضمیمه شدن و منضم شدن علم به واقع تنزیلی. خب علم واقع تنزیلی اگر تنزیل شد، آن واقع تنزیلی یعنی چه؟ یعنی حرمت. یعنی حرمت جعل می شود در فرضی که علم به حرمت موجود شود خب معنای آن این است که علم به حکم را در موضوع حکم اخذ کرده است.

یک بار دیگر تقریب می‌کنم خوب دقت کنید. اگر در جایی هم واقع جزء الموضوع است و هم علم به واقع. شارع بخواهد مؤدی را تنزیل کند به منزله واقع، آقاضیاء ره می‌فرماید «تنزیل که می‌شود یعنی به لحاظ آن حکم تعلیقی و آن این است که اگر حکم به واقع تنزیلی محقق شود» یعنی جعل حرمت می‌کند در فرضی که علم به واقع تنزیلی محقق شود. آن واقع تنزیلی همان حرمت است دیگر، پس یعنی علم به واقع تنزیلی محقق شود. خب از این لازم می‌آید که جعل حرمت متوقف باشد بر علم به حرمت لذا می‌شود اخذ علم به حکم در موضوع حکم. تنزیل مؤدی به منزله واقع یعنی جعل حرمت تنزیلی. جعل حرمت تنزیلی در صورتی می‌شود که آن جزء دیگر یعنی علم به حرمت تنزیلی موجود باشد، یعنی اگر علم به حرمت تنزیلی داشتی، حرمت تنزیلی جعل می‌شود. خب این می‌شود اخذ علم به حکم در موضوع حکم.

سوال، جواب: اشکال ندارد. هر محذوری اخذ علم به حکم در موضوع دارد در این جا هم می‌آید ... محذور دارد چرا معنای تعلیق اگر است و آن می‌آید در موضوع. هر حکمی بر موضوع خود معلق است.

این رد کلام آقاضیاء ره که در کلام مرحوم حاج شیخ اصفهانی بود. البته این را آقای صدر هم ذکر کرده ولی اصل آن در کلام ایشان است.

مطلب سوم: مرحوم آقا شیخ عبد الکریم ره در درر یک مطلبی فرموده . ایشان می‌فرماید: علم یک وقت در موضوع اخذ می‌شود بما انه طریق الی الواقع و یک وقت اخذ می‌شود بما انه صفة. طریقت و صفتیت به چه معناست؟ ایشان می‌فرماید: یک وقت هست علم در موضوع اخذ می‌شود بما هو طریق معتبر و یک بار علم در موضوع اخذ می‌شود بما هو کاشف تام. اگر بما هو طریق تام باشد در این صورت می‌شود اخذ علم بما انه صفة و اگر بما انه طریق معتبر باشد این می‌شود اخذ علم بما انه طریق.

حال اگر علم در موضوع اخذ شد بما انه طریق، امارات قائم مقام آن می‌شود یا خیر؟ مرحوم حاج شیخ فرموده می‌شود زیرا وقتی شارع مؤدی را تنزیل کرد به منزله واقع، طریق معتبر موجود می‌شود.

شود. اصلا فرق بین کلام آقا شیخ عبد الکریم ره در درر با کلام آخوند ره در حاشیه این می باشد که آخوند ره می فرماید «به مجرد تنزیل مؤدی منزله واقع، جزء دیگر محقق نمی شود بلکه جزء دیگر نیاز به تنزیل دارد ولکن ملازمه هست» اما آقا شیخ عبد الکریم ره می فرماید «به مجرد اینکه مؤدی تنزیل شد به منزله واقع جزء دیگر حقیقه موجود می شود». در ادامه می فرماید «ان قلت: این دور است زیرا کی این مؤدی تنزیل میشود به منزله واقع؟ وقتی که جزء دیگر محقق شود. جزء دیگر طریق معتبر است. خب طریق معتبر کی محقق می شود؟ طریق معتبر یعنی چه؟ یعنی قیام اماره و تنزیل مؤدی به منزله واقع. قلت: این اشکال ندارد. آنجایی که موضوع اثر دارد غیر این علم و طریق که موضوع ست مثلا در حرمت خمر، وقتی شارع مؤدی را تنزیل فرمود به منزله خمر، طریق پیدا می شود. لا یقال: این متوقف است بر اینکه طریق معتبر موجود شود. لانه یقال: فرض کنید خمر دو اثر دارد یکی حرمت و دیگری نجاست. حرمت روی ذات خمر رفته، نجاست رفته روی خمیری که قام طریق معتبر علی خمیته. خب الآن که شارع دارد تنزیل می کند ما قامت البیة علی خمیته، این را به لحاظ حرمت تنزیل می کند. در آن که علم و اماره جزء نیست. وقتی که تنزیل کرد، طریق معتبر وجدانا پیدا می شود لذا موضوع حکم دیگر بدون اینکه احتیاج به تنزیل داشته باشد موجود می شود.

سوال، جواب: این قیام است ... نه، آن هم گفته که هر جا طریق معتبر قائم شد بر خمیریت آن وقت آن نجس می شود. خب وقتی این حرام شد، طریق معتبر بر خمیریتش قائم شد.

سوال، جواب: طریق معتبر ولو به لحاظ حرمت. ندارد که طریق معتبر به لحاظ نجاستش بلکه یعنی طریق معتبر به لحاظ حرمتش.

سوال، جواب: موضوع است دیگر. ایشان می گوید علم بما طریق بدین معناست. نه علم موضوع است. اشکالاتی که آخوند ره کرده در این جهت فرقی نمی کند. چه علم بما انه علم اخذ شده باشد و چه بما انه طریق معتبر، اگر دوری باشد این جا هم هست و اگر تنزیل امکان ندارد ...، هر چه هست فرقی نمی کند. قطع که موضوعیت ندارد. ایشان قطع طریقی را این طور معنی می کند.

می ماند آن جایی که واقع اثر ندارد و فقط یک اثر دارد. فرض کنید خمر فقط یک اثر دارد آن هم فقط نجاست است و آن روی خمر نرفته بلکه رفته روی خمیری که قام طریق معتبر علی خمریته. آقا شیخ عبد الکریم ره می فرماید: اینجا آن اثر تعلیقی برای تنزیل کفایت می کند. اثر تعلیقی یعنی این نجس است اگر طریق معتبر بر او قائم شود.

اشکال حاج شیخ اصفهانی ره به آقا شیخ عبد الکریم همین است که این می شود اخذ علم به حکم در موضوع حکم زیرا این نجس است اگر طریق معتبر بر نجاستش قائم شود، یعنی این نجس است و موضوع آن این است که اگر طریق معتبر بر نجاستش قائم شود و این می شود اخذ علم به حکم در موضوع حکم. در واقع این می شود خلف یعنی آن چه متاخر از شیء هست را در مقدم بر شیء اخذ کنیم، لذا فرموده این فرمایش آقا شیخ عبد الکریم نا تمام است.

آقای صدر از این اشکالات جواب داده و فرموده: ما گفتیم اخذ علم به جعل در موضوع مجعول اشکال ندارد. بله اخذ علم به مجعول در موضوع مجعول اشکال دارد کما اینکه اخذ علم به جعل در موضوع جعل نمی شود اما اخذ علم به جعل در موضوع مجعول اشکال ندارد. توضیح کلام ایشان این است که آقای صدر می فرماید: ما یک جعل داریم و یک مجعول. جعل یک قضیه حقیقه کلیه الهیه که این قضیه کلیه حقیقه الهیه نه ربطی به من دارد و نه ربطی به شما دارد. یک مجعول هست و آن این است که این حکم تو را نیز شامل شود. اگر شارع بفرماید «هر کس که علم دارد جعل او را شامل می شود، مجعول در حق او هست» اشکال دور و خلف و... پیش می آید اما اگر بفرماید «این مجعول در حق کسی ثابت است که علم به جعل دارد» این اصلا اشکال ندارد. علم به جعل یک چیز است و فعلیت مجعول و شمول مجعول یک چیز است.

ایشان می گوید: «من این را به مرحوم آقای خوئی ره می گفتم یعنی عرض می کردم که علم به جعل در فعلیت مجعول چه اشکال دارد؟!» مجعول را معنی کردم، مجعول یعنی این حکم من را شامل شود و در حق من باشد. آقای خوئی ره اشکال می فرمود: علم به این جعل، برای دیگران یا برای خودت. اگر بگویی «برای دیگران» خب این که اشکال ندارد و هیچ کس اشکال نکرده. در

صورتی که علم داشته باشی که حکم برای زید جعل شده برای شما نیز هست. این را کسی اشکال نکرده. اگر بگویند «در حق خودت» خب اشکال بر می گردد. ایشان جواب می دهد که جعل در حق خودت و غیر، معنی ندارد. جعل انحلالی ست و یک قضیه حقیقه کلیه الهیه است. اصلاً کاری به من و تو ندارد.

این را ان شاء الله در همین هفته یا در هفته آینده بحث می کنیم ولی علی الحساب، این اخذ علم به حکم در موضوع حکم است. یک مطلبی در ارتکاز ما و عوام هست و آن این می باشد که آقای خوئی ره، آخوند ره، شیخ اعظم ره و تمام فحول و صاحب اصول الآن اگر یک کسی بگوید «جریمه برای هر کسی که شب از خانه اش بیرون بیاد هست» بعد یک قانون تصویب کنند که کسانی که علم دارند به این قانون مشمول عطاء جریمه می شود و جریمه در حق آنها هست. این چیست؟ این قانون در حق کسانی جعل شده که علم به این قانون داشته باشند. اگر بگویند «این عقلاً محال ست» ... یک چیزهایی در ارتکاز انسان هست. گاهی مواقع فکر زیاد ... فکر هم مثل عبادت است. کسی که ظرفیت ندارد یک مرتبه بگوید «من نباید نماز شب را ترک کنم، نافله را ترک کنم و ...» بعد اصلاً بی نماز می شود. فکر هم همین طور است، کسی که هنوز قابلیت فکر کردند ندارد و تازه وارد کار شد بگوید «باید تمام مطالب را خوب فکر کنم» بعد از مدتی پس می زند و یواش یواش دو تا چهار تا را هم نمی تواند هضم کند. در ما نحن فیه مثل امکان، از قدیم گفته اند که امکان معقول ثانی فلسفی ست یعنی در خارج وجود ندارد و موطن آن ذهن است و چیزی در خارج نیست و شیء خارجی به آن متصف می شود. یک آقایی - صحت نقل را نمی دانم - از قول علامه طباطبایی ره نقل می کرد که ایشان فرموده امکان یک پای در خارج دارد. خب اینکه امکان پای در خارج دارد یعنی چه؟ از این طرف ارتکاز علامه طباطبایی ره این حرف را مسخره می کند و از آن طرف هم نشسته و فکر کرده و یک حرف بی قافیه ای را درست کرده. لذا این جنگ بین ارتکاز و فطرت ابتدایی بشر که حقائق عالم را می فهمد با این فکرهای بی اساس است، گاهی مواقع آن حرف را می زند و گاهی مواقع این مطلب را زیرا مطلب برای او

صاف نیست. ما نحن فيه هم این گونه است، خلاصه این مطلب هست که می گویند «این قانون برای کسانی است که علم به این قانون دارند» اگر بگویید «این عقلا محال است» می گویند «این را بالوجدان انجام می دهند» و از طرفی اشکالات، اشکالات قوی است. این را باید درست کرد. ما ان شاء الله وارد می شویم که اصلا حرف آقای صدر پایه و اساسی دارد یا ندارد.

فتلخص مما ذكرنا که فرمایش مرحوم آقا شیخ عبد الکریم در درر را حاج شیخ اصفهانی ره اشکال کرد. همان اشکالی که به آقاضیاء ره کرد یعنی لازمه آن اخذ علم به حکم در موضوع حکم است.

بعد مرحوم آخوند در حاشیه مطلبی فرموده که ملازمه هست بین تنزیل علم به واقع تنزیلی به منزله علم به واقع حقیقی. این را در کفایه منکر نشده و لکن به این مطلب حاشیه آقای صدر چند اشکال کرده. چند اشکال به کلام آقاضیاء کرده، چند اشکال به کلام مرحوم آخوند در کفایه کرده. ما تقریبا همه این مطالب را نقل کردیم و چیزی نبوده که نقل نکرده باشیم و لکن برای جمع بندی نهایی فردا ان شاء الله همین دو سه کلمه آقای صدر را ... یکی ایراد ایشان به کلام آخوند ره در حاشیه و یکی ایراد ایشان به کلام آخوند ره در کفایه و یکی هم مطالبی که راجع به کلام آقاضیاء ره فرموده را بحث می کنیم و بعد وارد قیام اماره مقام قطع موضوعی بما انه صفة می شویم. ان شاء الله اگر توانستیم این بحث را فردا تمام می کنیم و اگر نشد ان شاء الله در وسط روز چهارشنبه وارد تنبیه بعد می شویم.

و للكلام تتمه و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين لعنة الله علی اعدائهم اجمعين